

کوتاه نگاهی به دومین روز محاکمه متهمین به قتل شهید فرخنده حضور مقامات بلند پایه امنیتی در دومین جلسه رسیدگی به قتل فرخنده

جنرال ظاهر ظاهر و عبدالرحمان رحیمی، رییس تحقیقات جنایی وزارت داخله و قوماندان امنیه کابل، امروز، یکشنبه در دومین روز جلسه رسیدگی به پرونده (دوسیه) قتل فرخنده در دادگاه (محکمه) حاضر شدند. (خبرگزاری بختی-یکشنبه ۳ می ۲۰۱۵)



دومین روز جلسه رسیدگی به دوسیه قتل فرخنده، در حالی برگزار شد که صفی الله مجددی روز گذشته، رییس تحقیقات جنایی وزارت داخله، رییس تحقیقات جنایی قوماندانی امنیه کابل و قوماندان امنیه کابل را به دادگاه فراخوانده بود.

در این جلسه، فردی به نام وهاب که ادعا می شود شهروند (تبعه) عربستان سعودی است، نیز در دادگاه از سوی قوماندان امنیه کابل حاضر شده و مدارکش را به قاضی دادگاه سپرد.

جنرال ظاهر ظاهر که به گفته خودش از یک سفر رسمی از آلمان به کابل برگشته نیز در مقابل قاضی دادگاه حاضر شد و به مواردی که مربوط به خودش بود پاسخ داد.

آقای ظاهر می گوید افسران پولیسی که اکنون بازداشت شده اند کسانی اند که خود در دستگیری و نابودی صدها مجرم خطرناک سهم داشته اند. (آیا جنرال صاحب میدانند که این دو موضوع هیچ ارتباطی به هم ندارند و آیا باخبر هستند و ویدیو ها را به دقت تماشا کرده اند که همین افراد در روز روشن به جنایتکاران "دوشمشیره" بصورت بسیار واضح و روشن پشت میکنند و به گونه ای عمل میکنند که "شتر دیدی، نه دیدی".)

او گفت که در خانه برخی از این افراد بازداشت شده، نان خشک هم پیدا نمی شود و وضعیت اقتصادی شان خوب نیست. (وضعیت اقتصادی "پولیس دولتی خدمتگزار" را به عملکرد غیرمسئولانه آنان در قبال یک مشت شورشگر بی بندوبار و لابلایی چه ارتباطی تواند بود؟ آیا اگر

پولیس " نان خوردن " نداشت، به این معنی میتواند باشد که با جنایتکاران همدست می شوند و یک مشت پول دریافت میکنند؟!!

جناب جنرال ظاهر در حقیقت خواسته است به گونه ای به همین موضوع انگشت گذارد. او از قاضی توقع دارد که گرسنه بودن پولیس های متذکره را مد نظر گرفته قضاوت کند. فردا شاید متهمین متذکره هم عمل بالمثل انجام دهند. جنرال صاحب نباید مسائل احساساتی و عاطفی را در اینگونه قضایا دخیل سازند و به گونه ای موجب برانگیختن احساسات عاطفی قاضی که در مسند قضا نشسته است، گردند. قاضی در هیچ حالت نباید تحت تأثیر احساسات عمل کند، در غیر آن قضاوت او هرگز عادلانه نخواهد بود.)

آقای ظاهر از صفی الله مجددی خواست تا در باره این افراد ملاحظه داشته باشد.

(امروز جنرال ظاهر از قاضی طلب میکند که در مورد افراد پولیس ملاحظه داشته باشد، فردا نوبت " شورای علما " خواهد بود و پس فردا احمد و محمود و کلبی مقصود چنین درخواست های غیر منطقی را مطرح خواهند کرد.)

دومین روز جلسه رسیدگی به دوسیه قتل فرخنده، در حالی برگزار شد که صفی الله مجددی روز گذشته، رییس تحقیقات جنایی وزارت داخله، رییس تحقیقات جنایی قوماندانی امنیه کابل و قوماندان امنیه کابل را به دادگاه فراخوانده بود.

در اولین جلسه رسیدگی به قتل فرخنده، شماری از متهمان به قاضی پرونده گفتند که اعترافات شان به وسیله شکنجه گرفته شده است. (هیچگونه آثار و علائم شکنجه در آنان به مشاهده نمی رسید و اگر چنین میبود و ادعای آنان حقیقت میداشت، میتوانستند آثار شکنجه را اگر در پشت و پهلویشان هم وجود میداشت در حضورداشت حاضرین جلسه به نمایش می گذاشتند. آنان حتی بی خواب و پریشان و ذله هم به نظر نمی رسیدند.

از جانب دیگر تعداد بی شماری از کلیپ های ویدیویی وجود دارد که جنایتکاران متذکره را در عین عمل جرم نشان میدهد، پس هیچ ضرورتی نمی افتد تا شکنجه شوند. چیزیکه عیان است، چه حاجت به بیان است.)

در همین حال قوماندان امنیه کابل در باره فرد عرب تباری که ادعا می شود از سوی او رها شده، گفت که او، از سوی یکی از افسران زیر دست او، رها شده است.

(قوماندان امنیه که افراد تحت قوماندۀ خود را زیر کنترل نداشته باشد و هرکه، هرچه دل اش خواست میکند، از بود چنین قوماندان امنیه، نبودش بهتر است. از جانب دیگر اگر چنین اظهاراتی از سوی قوماندان امنیه واقعیت داشته باشد، چرا قوماندان امنیه همان افسر زیردست خود را به محکمه معرفی نکرد؟!)

آقای رحیمی گفت که او، فردی بنام وهاب را که گویا عرب است به دادگاه حاضر کرده است.

(حال کی ثابت کند که این فرد حاضر ساخته شده در محکمه، همان عرب است که با یک بکس حاوی سامان آلات الکترونیکی، در جریان جنایت " دوشمشیره " دستگیر شد. از جانب دیگر چرا قوماندان امنیه از آن بکس متذکره هیچ ذکری بعمل نمی آورد؟!)

این فرد عرب در همان ساعت معین در " شاه دوشمشیره " چه کار داشت و در آن بکس چه بود؟!)

از جانب دیگر عرب متذکره از تاریخ آزاد شدنش تا روز حاضر شدن به محکمه به راحتی همه آثار و شواهد جرم و جنایت و شاید هم جاسوسی را از بین برده است و مسؤول قضیه به غیر از قوماندان امنیه کس دیگری بوده نمی تواند.)

روز گذشته، یکی از متهمان پولیس در جریان بررسی پرونده، در دادگاه فرخنده گفت که یک شهروند عرب در وقت حمله به فرخنده، حضور داشته که وسایل الکترونیک با خود داشت و در آن زمان وسایل مخابراتی پولیس نیز از کار افتاده بود.

(چه پیوندی میتواند بود بین حمل یک بکس با وسایل الکترونیکی و از کار افتادن وسایل مخابراتی پولیس؟!)

آیا واقعاً در همان ساعات معین ارتباطات مخابراتی پولیس از کار افتاده بوده است؟! اگر بلی! پس چرا مسئولین مخابراتی به شمول قومندان امنیه این موضوع نهایت مهم و سرنوشت ساز را با مرکز عمومی خود در وزارت داخله در میان نگذاشته اند، و اگر گذاشته اند، آنان چه اقداماتی در زمینه نموده اند و علت از کار افتادن وسایل مخابراتی پولیس منطقه در همان زمان معین چه بوده است و قوماندانی امنیه در کدام ساعت این مثل را به مرکز راپور داده است؟!)

بازداشت وهاب برای تحقیقات بیشتر

وهاب جوانی که ادعا می کند شهروند عربستان است اما پدرش، باشنده اصلی ولایت زابل در جنوب افغانستان است در دادگاه امروز، مدارک هویتی خویش را به دادگاه ارایه کرد.

او سه جلد پاسپورت، تذکره و اوراقی را ارایه کرد که گویا او، توانسته از ولایت زابل بدست آورده و همچنان پاسپورت الکترونیکی نیز از ریاست پاسپورت بدست آورده است.

(کدام دستان قوی در عقب پرده قرار دارند که به یک نفر عرب یا یک افغان تبعه عربستان، سه جلد پاسپورت ارزانی داشته اند و چرا سه جلد؟! این فرد متذکره چرا در حالیکه یک پاسپورت داشته است، دو جلد دیگر نیز ضرورت داشته است؟! او حتی پاسپورت الکترونیکی بدست دارد که هنوز فکر نکنم هیچ افغان ای آن پاسپورت ها را بدست آورده باشد.

از جانب دیگر او که سه جلد پاسپورت در دست دارد، روی کدام دلیل یا دلایل حاضر شده است هر سه جلد را در اختیار محکمه بگذارد، در صورتیکه میتواند همان یک جلد را با خود بیاورد. عرب های وهابی در این قضیه وحشتناک چه رولی را بازی کرده اند و پادوان آنها در این قضیه کی ها اند؟!)

صحت های قاضی دادگاه با او، باعث شد که صفی الله مجددی دستور بازداشت او را صادر کند و همچنان، دستور داد تا از مسوولانی که به این فرد مدارک هویتی صادر کرده نیز تحقیقات همه جانبه صورت گیرد. (منتظر نتیجه تحقیقات می مانیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.)

افسران پولیسی که وهاب را بعد از قتل فرخنده بازداشت کرده بوند، در جلسه امروز گفتند که او، برای اینکه از سوی مردم خشمگین کشته نشود به پولیس مراجعه کرده است.

("مردم خشمگین" با این فرد عرب هیچ سر و کاری نداشتند و نیز نمی دانستند که او عرب است یا عجم. چرا او چنین فکر میکرد که آن افراد بی سرو پا که مشغول یک جنایت بزرگ بودند، فرخنده شهید را خواهند گذاشت و بجان او خواهند افتاد؟!)

در روز نخست جلسه پولیس مذکور به صراحت گفت که یک فرد مشکوک عرب را با یک بکس حاوی آلات الکترونیکی بازداشت کرده بود، اما در روز دوم گفته می شود که او از ترس به پولیس مراجعه کرده است. کدام اظهارات حقیق دارد؟!)

با این حال، صفی الله مجددی از مسوولان پولیس تقاضا کرد تا علت رهایی وهاب را مشخص سازند اما، هیچ اسنادی در این مورد ارایه نشد. (اسناد را همان دستان پشت پرده نابود کرده اند و این عرب متذکره هم با یقین کامل با عزت و حرمت تمام آزاد میگردد. این جا افغانستان است!!!)

آقای مجددی در پیوند به قضیه رهایی وهاب، دستور بازداشت دو افسر پولیس کابل را نیز صادر کرد. (دیده شود این دو افسر متذکره چه چیزی برای گفتن دارند)

رییس تحقیقات جنایی: بعد از قتل فرخنده با خبر شدیم

در جلسه امروز، فرید افضل رییس تحقیقات جنایی قوماندانی امنیه کابل به قاضی پرونده گفت که او، درست بعد از ختم غایله قتل فرخنده، از قضیه باخبر شده است. (آیا پولیس های حاضر در صحنه و دخیل در قضیه به شمول قومندان امنیه و افراد زیردست او چنین دستور داشته اند که تا

ختم غایله و شهادت فرخنده، هیچگونه راپوری با مقامات ندهند؟! دستان پشت پرده گویا ارتباطات مخابراتی پولیس و قوماندانی امنیه را غیر فعال ساخته و به آنان دستور داده اند تا از غیر فعال بودن ارتباطات مخابراتی شان به مرکز وزارت هیچگونه گزارشی ندهند و...؟؟؟؟)

آقای افضلی گفت که از طریق ماموران حوزده دوم پولیس دقیقاً زمانی از قضیه باخبر شده، که مردان خشمگین فرخنده را به قتل رسانده و سوزانده بودند. (هیچ کس نمی گوید دوغ من ترش است) او گفت که به محض باخبر شدن از قضیه، تیم های خود را به محل رویداد فرستاده و خودش نیز به محل رویداد رفته است. (نوش دارو بعد از مرگ سهراب)

در جلسه امروز قتل فرخنده، عبدالرحمان رحیمی، قوماندان امنیه کابل شماری از فعالان مدنی و رسانه ای را متهم به برخورد مغرضانه با شخص خودش کرد. (یعنی اینکه بگیریش که نگیردت. به این میگویند کاسه داغ تر از آش)

او گفت که امنیت کابل از روز حضور او در این شهر، بهتر شده و او توانسته است بسیاری از باندهای خطرناک را متلاشی کند. (راست و حقیقت را گفته است. از روز حضور او در این شهر به غیر حملات انفجاری و انتحاری و حملات مسلحانه تا چند قدمی قصر ریاست جمهوری، غیر از کشت و خون و قتل و کشتار هموطنان، غیر از کشتن وحشتناک فرخنده در روز روشن و در حضور داشت پولیس، غیر از زیر موتر کردن فرخنده مظلوم و غیر از به آتش کشیدن جسد آن خواهر مظلوم ما، غیر از اینکه در نخستین ساعات انجام آن جنایت عظیم در قلب کابل، جناب جنرال به فامیل فرخنده شهید هم اخطار داده است همانگونه که امنیت فرخنده را تأمین کرده نتوانستیم، امنیت شماها را هم تأمین کرده نمی توانیم و بهتر آنست که زود از کابل فرار کنید و...، واقعیت همین است، از روزیکه جناب به کابل حضور یافته اند، خیر و خیریتی است !!!)

او اعتراف کرد که چهل درصد نیرو و ظرفیت پولیس کابل برای تأمین امنیت شهروندان کابل به مصرف می رسد و بیش از شصت درصد دیگر، مصروف مواردی می شود که دیگران و بزرگان ایجاد می کنند.

او در این باره توضیح بیشتری نداد که شصت درصد نیرو و توان پولیس، مصروف چه کارهایی می شود.

(از همین چهل درصد هم مردم خیری ندیدند و جناب قوماندان هم جرئت و شهامت آنرا به عنوان قوماندان امنیه کابل ندارد که واضح و پوست کنده بگوید که آن شصت درصد دیگر مشغول چه کار ها هستند و آن افراد ایکه شصت فیصد افراد پولیس کابل را مشغول ساخته اند، کی ها هستند. یا شهامت افشاً را داشته باش و یا مثل همیشه خاموش بمان تا همین روزی حرام هم از تو گرفته نشود. مردم افغانستان، بخصوص مردم کابل بعد از فاجعه وحشتناک قتل فرخنده در حضور داشت پولیس و نیرو های امنیتی، دیگر اعتماد خود را در قبال پولیس کاملاً از دست داده اند و مسؤل مستقیم آن در قدم نخست قوماندان امنیه کابل است و بعد وزارت داخله و ریاست امنیت.)

دیده شود در روز های بعدی جریان محاکمه به کدام صوب کشانیده خواهد شد. مردم بی صبرانه منتظر اجرای عدالت بدون در نظر داشت احساسات عاطفی و بدون در نظر داشت دستان پشت پرده هستند. روز، روز امتحان است!!! داگز او دا میدان!!!!

هرکه پا کج میگذارد خون دل ما میخوریم شیشه ناموسی عالم در بغل داریم ما